

در سال‌های اخیر، برخی چالش‌ها به فهرست ابر چالش‌ها و مسائل حل نشده آموزش عالی اضافه شده‌اند. از کاهش رتبه علمی تا بلاکلیفی مدیریتی، مسائلی بشمار می‌روند که در سال ۱۴۰۴ نیازمند پیگیری جدی هستند.

دانشگاه‌های کشور در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده و چندوجهی مواجه بوده‌اند. ابر مسائلی که از سال‌ها قبل حل نشده باقی مانده‌اند، امروز میراثی از چالش‌های ریز و درشت برجا گذاشته‌اند که تأثیرات عمیق آن‌ها در نظام آموزشی قابل مشاهده است.



ابرچالش‌هایی مثل مشکل نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها، کمبود بودجه و وابستگی آنها به بودجه‌های دولتی؛ هم‌راستا نبودن فعالیت‌های پژوهشی و فناوریانه با نیازهای واقعی کشور و ارتباط اندک دانشگاه‌ها با صنعت؛ انسجام نداشتن نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری و موازی‌کاری نهادهای مختلف در آموزش عالی؛ تعداد بسیار زیاد دانشگاه‌ها و اجرا نشدن طرح آزمایش آموزش عالی؛ عدم اتصال دانشگاه‌ها به جامعه، قطع ارتباط بدنه نخبگانی با مردم، بی‌اعتمادی به علم و رواج شبه‌علم؛ بی‌انگیزگی دانشجویان و اساتید و مهاجرت نخبگان و همچنین متناسب نبودن آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار؛ از جمله مسائل کلانی هستند که آموزش عالی سال‌های سال با آن‌ها دست به گریبان بوده است.

در کنار این ابر چالش‌ها آموزش عالی در سال ۱۴۰۳ با مسائلی مواجه بوده که دام‌گیر ۱۴۰۴ هم خواهد بود. در این گزارش به برخی از این مسائل می‌پردازیم. با وجود این‌که موضوع نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها و وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه دولتی یکی از ابرچالش‌های نظام آموزش عالی است؛ در سال‌های اخیر به دلیل شرایط اقتصادی کشور کمبود منابع مالی پررنگ‌تر شده است. بر اساس داده‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد بودجه آموزش عالی در سال ۱۴۰۴؛ در سال ۱۳۹۸ سهم آموزش عالی از مصارف بودجه عمومی حدود ۴ درصد بوده که این میزان در سال ۱۴۰۲ به ۲٫۸ درصد رسید و در لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیز این سهم با افزایش بسیار جزئی به ۲٫۸۲ درصد رسیده است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس؛ در بودجه ۱۴۰۴ بودجه وزارت علوم ۱۳۸ درصد و بودجه آموزشی پژوهشی وزارت بهداشت ۴۷ درصد افزایش داشته است؛ ولی با این وجود سهم آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی و بودجه عمومی دولت همچنان پایین است. به گفته معاون پژوهشی وزیر علوم بودجه دانشگاه‌ها از نظر دلاری نسبت به سال ۱۳۹۰ نصف شده است. این مقام مسئول شهرورماه سال گذشته در اجلاس رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری کشور عنوان کرد: به سال ۱۳۹۰ میزان تخصیص بودجه به وزارت علوم ۲ میلیارد دلار بود و در سال ۱۴۰۲ این میزان به یک میلیارد دلار رسیده است.

این موضوع بخش‌های مختلف آموزش عالی را تحت شعاع قرار داده است. همچنین نسبت اختصاص بودجه به بخش‌های مختلف آموزش عالی نیز متناسب نیست. به گفته بسیاری از مسئولان؛ بیش از ۹۰ درصد بودجه دانشگاه‌ها صرف حقوق و دستمزد می‌شود. همچنین تأمین هزینه‌های رفاهی دانشجویان از جمله تغذیه و خوابگاه نیز بخش دیگری از بودجه را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین کاهش منابع بودجه در کنار موضوع وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه دولتی و همچنین مشکلات کلانی که در کشور برای ارتباط دانشگاه‌ها به صنعت وجود دارد؛ سبب شده بخش‌های مختلف از جمله آموزش، پژوهش، مسائل فرهنگی، رفاهی، حقوق اعضای هیئت علمی و کارمندان، به‌روزرسانی تجهیزات و آزمایشگاه‌ها و بسیاری از بخش‌های دیگر آموزش عالی با مشکل مواجه شود. با توجه به افزایش هزینه‌ها به دلیل تورم، مشکلات ناشی از تحریم، افزایش هزینه‌های داری و… به نظر می‌رسد شرایطی که آموزش عالی در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده، در سال ۱۴۰۴ نیز ادامه داشته باشد. موضوع کاهش رتبه علمی مسئله‌ای تکراری در آذهان

جامعه نیست. در دهه گذشته روند انتشارات دانشگاه‌ها همواره صعودی بود و به واسطه این موضوع رتبه علمی ارتقا یافته بود. در سال ۲۰۲۲ انتشارات علمی ایران در اسکوپوس به بیش از ۷۸ هزار مقاله در یک سال رسید ولی در سال ۲۰۲۳ این روند پس از سال‌ها صعودی بودن، با کاهش ۴ هزارتایی، نزولی شد. در سال ۲۰۲۴ با وجود این‌که روند انتشارات مجدد صعودی شده ولی هنوز به آمار ۷۸ هزار مقاله در سال ۲۰۲۳ برسد.

در نتیجه این تغییرات در روند انتشارات علمی، رتبه علمی نیز دو سالی است که کاهش یافته است. ایران پس از ۴ سال حفظ رتبه پانزدهم دنیا از نظر انتشارات علمی،



چالش‌های گریبانگیر نظام آموزش عالی در سال ۱۴۰۴

در سال ۲۰۲۳ در اسکوپوس به رتبه شانزدهم رسید و در آخرین گزارش سکیمگو ۲۰۲۴ که در روزهای اخیر منتشر شده، رتبه علمی کشور به جایگاه هفدهم رسیده است. در وب آو ساینس نیز حدود سه سال است که ایران در جایگاه هفدهم دنیا قرار گرفته است. همچنین ایران جایگاه اول خود را نیز در منطقه از دست داده است و در اسکوپوس و وب آو ساینس پس از ترکیه در جایگاه دوم قرار گرفته است. بیم آن وجود دارد که در سال‌های آینده عربستان جایگاه دوم ایران را نیز کسب کند.

این کاهش دو پله‌ای جایگاه علمی کشور، به دلایل مختلفی اتفاق افتاده است و با توجه به این سرمایه‌گذاری رقبای ایران در این موضوع ممکن است این روند نزولی ادامه یابد.

شاخص تعداد مقالات منتشر شده در پایگاه‌های علمی بین‌المللی نشان‌دهنده میزان فعالیت پژوهشی در هر کشور و نقش آن در گسترش دانش جهانی است. هرچند «تعداد مقالات» به تنهایی معیار کاملی برای سنجش کیفیت پژوهش‌ها محسوب نمی‌شود و کاهش یا افزایش تعداد مقالات، به تنهایی تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره مردم ندارد، اما روند نزولی انتشارات علمی نشان‌دهنده تحولات عمیق‌تری در زیر پوست جامعه علمی کشور است؛ تحولاتی که نیازمند بررسی دقیق و سیاست‌گذاری‌های مؤثر برای اصلاح مسیر علمی کشور هستند.

در سال‌های اخیر؛ از یک طرف به دلیل گسترش کارخانه‌های مقاله‌سازی در برخی کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه و از طرف دیگر توسعه مدل‌های زبانی بزرگ و افزایش ابزارهای هوش مصنوعی در دنیا، حساسیت‌ها به مسائل اخلاقی در پژوهش و حفظ درستی و صحت پژوهش‌ها افزایش یافته است. بسیاری از نشریات در دنیا به دنبال شناسایی مقالات مشکوک هستند؛ به طوری که شبهه تقلب و سرقت علمی منجر به ریترکت شدن یا بازپرسی مقالات منتشرشده می‌شود. همچنین کشورهای توسعه‌یافته توصیه‌نامه‌هایی را برای استفاده پژوهشگران از ابزارهای هوش مصنوعی تدوین کرده‌اند تا با آگاهی پژوهشگران از انتشار مقالات ساختگی نوشته‌شده توسط هوش مصنوعی جلوگیری کنند.

در این شرایط مسئولان وزارت علوم نیز از تدوین شیوه‌نامه استفاده پژوهشگران از هوش مصنوعی خبر داده‌اند که به زودی این شیوه‌نامه ابلاغ می‌شود. در دهه گذشته که روند انتشارات علمی کشور صعودی بود، نوک پیکان انتقاد برخی کارشناسان به سمت اجتناب مسئولین از کمی‌گرایی و تلاش برای افزایش کیفیت مقالات بوده؛ امروز در کنار کاهش تعداد انتشارات علمی کشور، این نگرانی وجود دارد که با وجود افزایش حساسیت نشریات دنیا به مسائل تقلب و سرقت علمی؛ کیفیت و کمیت انتشارات علمی کشور دچار چالش شود.

با پایان زود هنگام دولت سیزدهم و روی کار آمدن دولت چهاردهم در سال ۱۴۰۳، حسین سیمایی‌صراف سکان‌دار وزارت علوم شد. به طور معمول در ایران پس از

تغییرات در وزارت علوم ریاست دانشگاه‌ها نیز دستخوش تغییر می‌شود.

ولی با وجود گذشت بیش از ۷ ماه از شروع مسئولیت سیمایی‌صراف هنوز تکلیف ریاست بسیاری از دانشگاه‌ها مشخص نیست. برای تغییر ریاست دانشگاه‌ها، گزینه پیشنهادی از سوی وزیر علوم به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی می‌شود و سوابق و پرونده فرد معرفی‌شده توسط یک کمیته در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که این کمیته فرد پیشنهادی را تأیید کند، حکم ریاست او بر دانشگاه ابلاغ خواهد می‌شود.

پزشکی در مقطع عمومی» را برای اجرا ابلاغ کرد، این افزایش ظرفیت در رشته‌های کنتور ۱۴۰۱ اعمال شد. بر اساس «ماده واحده» افزایش ظرفیت پزشکی در مقطع عمومی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شد به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت نظارت آن وزارت برای رشته پزشکی در مقطع عمومی از سال ۱۴۰۱ به مدت حداقل چهار سال، در هر سال ۲۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش یابد.

افزایش ظرفیت پزشکی در این سال‌ها با مشکلات بسیار اجرا شد ولی به دلیل اختصاص نیاقتن بودجه مورد نظر، افزایش ناگهانی تعداد دانشجویان پزشکی، آموزش پزشکی با مشکل مواجه شده است. کلاس‌های درس پرجمعیت، مشکل در آزمایشگاه‌ها، کمبود سالن تشریح و حتی جسد برای تشریح، کمبود تجهیزات آموزشی، کمبود تخت بیمارستان آموزشی و خوابگاه برای دانشجویان از جمله این مشکلات هستند.

بر اساس ماده واحد افزایش ظرفیت پزشکی؛ ظرفیت پذیرش پزشکی حداقل تا سال ۱۴۰۴ باید سالانه ۲۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش یابد. آذرماه سال ۱۴۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای اعلام کرد که افزایش ظرفیت پزشکی پس از اجرا در سال ۱۴۰۴ از پایان سال چهارم متوقف خواهد شد.

با این وجود به دلیل مشکلات و عدم تأمین منابع مالی برای افزایش ظرفیت، معاون آموزشی وزارت بهداشت بهمن‌ماه سال گذشته در یک نشست خبری ضمن ابراز نگرانی در مورد کاهش کیفیت آموزش پزشکی گفت: من نگران دانشگاه‌ها هستم و تصور می‌کنم اگر بودجه مورد نیاز افزایش ظرفیت فراهم نشود، پذیرش ۱۴۰۴ را متوقف کنیم. نکته‌ها ۲۰ درصد را نپذیریم که هیچ پذیرشی نداشته باشیم. کدام وزارتخانه‌ای می‌پذیرد در یک بازه زمانی کوتاه تعداد نیروها و خدمات خود را به این میزان افزایش دهد؟ ما اساتید، مسئولین و مدیران خوبی داریم به شرطی که بودجه فراهم شود. ما به بن‌بست

چالش‌های گریبانگیر نظام آموزش عالی در سال ۱۴۰۴

وزرا می‌توانند تا تأیید حکم رئیس پیشنهادی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، وی را حداکثر به مدت شش ماه به عنوان سرپرست منصوب کنند.

در این دوران با پایان مهلت شش ماهه سرپرستان دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، هنر، خوارزمی و کاشان؛ تکلیف این دانشگاه‌ها نامشخص است. تاکنون بیش از ۴۵ سرپرست برای دانشگاه‌ها توسط سیمایی‌صراف تعیین شده‌اند ولی به طور کل دلیل طولانی شدن فرآیند تأیید احکام سایر رؤسای دانشگاه‌ها توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی هنوز ابهاماتی وجود دارد.

همچنین سیمایی‌صراف هنوز برای برخی از دانشگاه‌های بزرگ از جمله صنعتی شریف، امیرکبیر، شهید بهشتی و الزهرا گزینه‌ای معرفی نکرده است. این رؤسای بازمانده از دولت سیزدهم با وجود این‌که حداقل یک سال تا پایان حکم چارساله ریاستشان باقی مانده، مشخص نیست در دولت فعلی ماندگار باشند یا خیر. این بلاکلیفی سبب شده برخی از این رؤسا با جدیت برنامه جدیدی برای اداره دانشگاه ارائه نکنند. مشخص نیست بلاکلیفی وضعیت دانشگاه‌ها تا چه زمان ادامه داشته باشد.

موضوع کدهای استخدامی اعضای هیئت علمی مسئله‌ای است که در سال‌های گذشته نیز مشکلاتی ایجاد کرده بود. برخی اساتیدی که از سال‌های گذشته در فراخوان جذب اعضای هیئت علمی شرکت کرده‌اند، با وجود این‌که مورد تأیید نهادهای ذی‌ربط قرار گرفته‌اند و فراخوان جذب را با موفقیت طی کرده‌اند، در استخدام با مشکل مواجه شده و این موضوع تا سال جدید نیز ادامه یافته است.

برخی از این اساتید گفته‌اند که با وجود این‌که در دانشگاه‌ها به صورت تمام‌وقت مشغول به کار هستند ولی کد استخدامی نگرفته‌اند و پرداخت حقوق به آن‌ها انجام نمی‌شود. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در مورد پیگیری این موضوع عنوان کرده است که کدهای استخدامی دست ما نیست، ولی ما مدام از سازمان امور اداری استخدامی کشور و سازمان برنامه پیگیر آن هستیم. عدم صدور کد استخدامی اعضای هیئت علمی جوان توسط سازمان اداری استخدامی کشور در حالی اتفاق افتاده که این سازمان ملزم به صدور کد استخدامی پیش از فراخوان جذب است.

اخیراً جمعی از پذیرفته‌شدگان فراخوان هیئت علمی ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و مقابل دانشگاه‌های کشور در اعتراض به عدم صدور کد استخدامی هیئت علمی پس از ماه‌ها، در کارزار اعتراضی نامهای برای رئیس‌جمهور و وزیر علوم نوشته‌اند. در بخشی این نامه آمده است: «هیئت ما به سختی در حال گذران است و به جای اینکه بر ارتقای علم تمرکز کنیم، وقت و انرژی ما برای پیگیری صدور کد در حال هدر رفتن است. همچنین استرس شدیدی بر زندگی شخصی و علمی ما مستولی شده که قابل وصف نیست. کارمندان ادارات مذکور درکی از این استرس نداشتند و مدام وعده‌هایی می‌دهند که با انجام ندادن آن بر زخم ما افزون می‌کنند».

در دی‌ماه ۱۴۰۰ رئیس‌جمهور وقت و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی ماده واحده «افزایش ظرفیت پزشکی در رشته‌های کنتور ۱۴۰۱ اعمال شد. بر اساس «ماده واحده» افزایش ظرفیت پزشکی در مقطع عمومی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شد به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت نظارت آن وزارت برای رشته پزشکی در مقطع عمومی از سال ۱۴۰۱ به مدت حداقل چهار سال، در هر سال ۲۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش یابد. آذرماه سال ۱۴۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای اعلام کرد که افزایش ظرفیت پزشکی پس از اجرا در سال ۱۴۰۴ از پایان سال چهارم متوقف خواهد شد.

با این وجود به دلیل مشکلات و عدم تأمین منابع مالی برای افزایش ظرفیت، معاون آموزشی وزارت بهداشت بهمن‌ماه سال گذشته در یک نشست خبری ضمن ابراز نگرانی در مورد کاهش کیفیت آموزش پزشکی گفت: من نگران دانشگاه‌ها هستم و تصور می‌کنم اگر بودجه مورد نیاز افزایش ظرفیت فراهم نشود، پذیرش ۱۴۰۴ را متوقف کنیم. نکته‌ها ۲۰ درصد را نپذیریم که هیچ پذیرشی نداشته باشیم. کدام وزارتخانه‌ای می‌پذیرد در یک بازه زمانی کوتاه تعداد نیروها و خدمات خود را به این میزان افزایش دهد؟ ما اساتید، مسئولین و مدیران خوبی داریم به شرطی که بودجه فراهم شود. ما به بن‌بست

صفحه ۷

پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴

۱۸ شوال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۳۵

نقض آزادی بیان در دانشگاه‌های آمریکا!

وزیر امور خارجه آمریکا از ابطال ویزای بیش از ۳۰۰ دانشجو در این کشور خبر داد. دانشجویان بین‌المللی در آمریکا به خاطر ترس از اخراج و لغو ویزا ناچار به خودسانسوری حتی در گفت‌وگوهای کلاسی دانشگاه هستند.

محیط آموزش عالی آمریکا پس از اقدامات ترامپ، سرد شده است. این اتفاق نتیجه کاهش ناگهانی بودجه مؤسسات آموزش عالی مانند کلمبیا و جان‌هایکینز، اشدتگی بی‌سابقه در آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا و لغو ناگهانی کمک هزینه‌های تحقیقاتی و قراردادهای در چندین آزمایشگاه ملی علم و فناوری است.

بازداشت محمد خلیل دانشجویی دانشگاه کلمبیا، یکی از حملات آشکار دولت فدرال به آموزش عالی بود. مارکو روبیو وزیر امور خارجه آمریکا درباره دلیل بازداشت و لغو گرن کارت این دانشجو گفت که این دانشجو در مذاکرات دانشجویان معترض با مدیریت دانشگاه کلمبیا دخالت کرده است.

رومیسا اوزتوک دانشجوی دیگری است که روایتش به دلیل انتشار مقاله‌ای از وی در روزنامه دانشگاه تافتس (Tufts Daily) لغو شد. جزئیات پرونده این دانشجویی دکتری دانشگاه تافتس محرم‌نامه باقی مانده است.

به تدریج اخیر بازداشت دانشجویان دیگر در دانشگاه آلاباما و مینه‌سوتا رسانه‌ای شدند. تا جایی که وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که تاکنون حداقل ویزای ۳۰۰ دانشجو باطل شده است. وی افزود که اگر اعتراضات از سوی دانشجویان بین‌المللی ادامه یابد، ابطال ویزا هم تداوم خواهد داشت. حتی ویزای دانشجویان برخی مؤسسات از قبیل دانشگاه کالیفرنیا، استنفورد، دانشگاه ایالتی اوهایو، دانشگاه ماساچوست و آریزونا بدون اطلاع مسئولان دانشگاه باطل شده است.



کارشناسان معتقدند که فضای سرد آزادی بیان ناشی از بازداشت‌ها و لغو روایتد دانشجویان، به آموزش عالی آسیب می‌زند. دولت فدرال نباید در ایجاد هنجار برای اعتراضات دانشجویی وارد شود. نتیجه این رفتار دولت ایجاد ترس در دانشجویان است. نتایج یک نظرسنجی اخیر از دانشجویان نشان می‌دهد که بسیاری احساس می‌کنند مجبور به خودسانسوری در دانشگاه هستند. چرا که مدیران دانشگاه ممکن است آن‌ها را به دلیل صحبت در تجمعات یا حتی گفت‌وگوهای کلاسی، مجازات کنند. حتی یکی از دانشجویان از شرکت در یک نظرسنجی آنبوه‌ای دانشگاه خودداری کرد. چرا که نگرانی بود پاسخ‌هایش ردیابی شود و وضعیت قانونی وی را به خطر بیندازد.

ایجاد ترس در دانشجویان برای مشارکت در بحث‌های مسالمت‌آمیز روح آموزش عالی را تخریب می‌کند. عواقب این برخورد‌ها در دانشجویان بین‌المللی شدیدتر است و به آن‌ها احساس درماندگی را القا می‌کند. این محرومیت‌ها نه‌تنها آزادی آکادمیک را تهدید می‌کند، بلکه جذابیت جهانی دانشگاه‌های آمریکایی را هم تضعیف می‌کند.

خاموش کردن صدای دانشجویان به جای پیشرفت، مانع بین‌المللی‌سازی می‌شود. یک دانشگاه آزاد، دانشجویان خارجی را تحت نظارت شدید قرار نمی‌دهد یا آنها را با تهدید مبهم عواقب ویزا باز نمی‌دارد. در عوض، دانشگاه‌ها باید دانشجویان بین‌المللی را در بحث‌های مربوط به سیاست‌ها بگنجانند و از طریق دستورالعمل‌های شفاف، تعهدات عمومی و آموزش کارکنان، روشن کنند که آن‌ها آزادند که سؤال کنند، مخالفت کنند و به طور کامل در گفت‌مان دانشگاه شرکت کنند.

سهم کمتر از ۳ درصدی کشاورزی و دامپزشکی از فارغ‌التحصیلان

بررسی آمارهای آموزش عالی نشان می‌دهد که و کمترین تعداد دانش‌آموختگان از گروه کشاورزی و دامپزشکی و بیشترین تعداد دانش‌آموختگان استان‌ها از گروه علوم انسانی هستند.

تعداد دانش‌آموختگان هر گروه تحصیلی اگر متناسب با نیاز جامعه نباشد، سبب افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان در کشور می‌شود. بیکاری فارغ‌التحصیلان یکی از مشکلات ایران در سال‌های اخیر است. به طوری که چندی پیش آمارهایی مبنی بر بیکاری بیش از ۴۰ درصدی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی منتشر شد.

در ادامه به بررسی تعداد دانش‌آموختگان گروه‌های علوم انسانی، علوم پایه، علوم پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر می‌پردازیم.

بیشترین تعداد دانش‌آموختگان استان‌ها از گروه علوم انسانی و کمترین تعداد دانش‌آموختگان از گروه کشاورزی و دامپزشکی هستند. استان‌های تهران با ۵۲ هزار و ۸۵۸ نفر، استان خراسان رضوی با ۲۰ هزار و ۹۸۲ نفر و اصفهان با ۱۶ هزار و ۱۴۷ نفر دانش‌آموخته بیشترین تعداد دانش‌آموخته این گروه تحصیلی را دارد.

بر اساس آمارها درصد دانش‌آموختگان گروه علوم انسانی نسبت به متوسط کشوری در ۱۹ استان بیش از متوسط کشوری (۵۳٫۵ درصد) و در ۱۲ استان کمتر از متوسط کشوری است. استان‌های قم با ۷۲٫۵ درصد، گلستان با ۶۶٫۶ درصد، و آذربایجان غربی با ۶۲٫۸ درصد بیشترین و استان‌های سمنان با ۴۳٫۸ درصد، کرمان با ۴۶ درصد و آذربایجان شرقی با ۴۷٫۶ درصد کمترین درصد دانش‌آموختگان گروه علوم انسانی را دارند.

توزیع درصد دانش‌آموختگان گروه علوم پایه در استان‌ها نسبت به متوسط کشوری نشان می‌دهد که در ۸ استان، درصد دانش‌آموختگان بیش از متوسط کشوری (۵ درصد) و در ۲۳ استان کمتر از متوسط کشوری است. استان‌های تهران با ۲۴٫۴۰ درصد، آذربایجان شرقی با ۷۸٫۷ درصد و اصفهان با ۶۷٫۶ درصد بیشترین و استان‌های گلستان و بویراحمد با ۱٫۵ درصد، خراسان شمالی با ۲٫۱ درصد و بوشهر با ۲٫۴ درصد کمترین درصد دانش‌آموختگان این گروه تحصیلی را دارند.

پزشکی نسبت به متوسط کشوری در ۱۷ استان بیش از متوسط کشوری (۸٫۴ درصد) و در ۱۴ استان کمتر از متوسط کشوری است. استان‌های فارس با ۱۲٫۲ درصد، خراسان جنوبی با ۱۲٫۱ درصد و همدان با ۱۲ درصد بیشترین و استان‌های قم با ۳٫۲ درصد، البرز با ۴ درصد، بوشهر با ۴٫۶ درصد کمترین درصد دانش‌آموختگان این گروه تحصیلی را دارند. درصد دانش‌آموختگان این گروه فنی و مهندسی استان‌ها نسبت به متوسط کشوری در نقشه نشان می‌دهد که در ۱۴ استان درصد دانش‌آموختگان بیش از متوسط کشوری (۲۳٫۲ درصد) و در ۱۷ استان کمتر از متوسط کشوری است. استان‌های بوشهر با ۳۲٫۹ درصد، کرمان با ۲۹٫۹ درصد و سمنان با ۲۹٫۸ درصد بیشترین و استان‌های گلستان با ۱۳٫۲ درصد، قم با ۱۳٫۶ درصد و سیستان و بلوچستان با ۱۵٫۱ درصد کمترین درصد دانش‌آموختگان گروه فنی و مهندسی را در استان‌ها داشته‌اند.

توزیع درصد دانش‌آموختگان گروه کشاورزی و دامپزشکی استان‌ها نسبت به متوسط کشوری در نقشه نشان می‌دهد که در ۱۷ استان کم‌تر درصد دانش‌آموختگان آنان بیش از متوسط کشوری (۲٫۸ درصد) و در ۱۴ استان کمتر از متوسط

کشوری است. استان‌های اردبیل با ۶٫۹ درصد، البرز با ۶٫۱ درصد و چهارمحل و بختیاری با ۵٫۷ درصد بیشترین و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۰٫۵۸ درصد، بوشهر با ۰٫۹۷ درصد و هرمزگان با ۱۰۰۲ درصد کمترین درصد دانش‌آموختگان گروه

تحصیلی را دارند.

آمارها نشان می‌دهد که درصد دانش‌آموختگان گروه هنر نسبت به متوسط کشوری در ۱۱ استان بیش از متوسط کشوری (۷ درصد) و در ۲۰ استان کمتر از متوسط کشوری است. استان‌های تهران با ۹٫۴ درصد، البرز با ۹٫۳ درصد و مازندران با ۸٫۹ درصد بیشترین و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۲٫۳ درصد، سیستان و بلوچستان با ۲٫۸ درصد و بوشهر با ۳٫۲ درصد کمترین دانش‌آموختگان گروه هنر را در بین استان‌های کشور دارند.

